

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۲، شماره ۳
بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۸۵-۱۱۰

بررسی فرهنگ حاشیه‌نشینی و موقعیت تحصیلی دانش‌آموزان مطالعه موردی: منطقه حصار خط چهار شهرستان کرج

شایسته مدنی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۹

چکیده

حاشیه‌نشینی یک پدیده شهری مربوط به دهه‌های اخیر است که به علت مسائل و مشکلاتی که برای ساکنین این مناطق و دیگر شهروندان به وجود می‌آورد، مورد توجه پژوهشگران علوم اجتماعی قرار گرفته است. بررسی انسان‌شناختی این پدیده با استفاده از روش کیفی و رابطه آن با موقعیت تحصیلی دانش‌آموزانی که در این مناطق زندگی می‌کنند، مسئله اصلی این تحقیق بوده است. منطقه حاشیه‌ای "حصار خط چهار" واقع در شهرستان کرج برای دستیابی به هدف پژوهش یعنی شناخت ویژگی‌های مختلف فرهنگ حاشیه‌نشینی و در ارتباط با موقعیت تحصیلی با استفاده از نگرش از "درون" و به صورت عمیق انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد وضعیت خانواده و ثبات آن در میزان و کیفیت تحصیل فرزندان بسیار موثر است. ولی این ثبات در تعداد کمی از خانواده‌ها وجود دارد، خانواده‌هایی که از ساکنان قدیمی منطقه هستند و ثبات درونی خود را حفظ کرده‌اند، از انگیزه‌های لازم برای تشویق فرزندان به ادامه تحصیل برخوردارند. ولی، بیشتر خانواده‌ها تحت تاثیر شرایط نامناسب محیطی و اجتماعی منطقه قرار داشته و به همین دلیل میزان افت تحصیلی در میان فرزندان بسیار بالا است.

کلید واژگان: افت تحصیلی، ثبات خانوادگی، حاشیه‌نشینی، فقر اقتصادی، فقر فرهنگی.

* دانشجوی دکتری فرهنگی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران
shayesteh.madani@gmail.com

مقدمه

لازمه یک نظام آموزشی مطلوب که تأمین‌کننده آینده روشن برای جامعه باشد، برخوردار از یکایک افراد آن جامعه از تعلیم و تربیت است به طوری که تمامی استعدادها بالقوه شکوفا شده و پرورش یابند (نفیسی، ۱۳۷۶: ۱۵). عدم تکمیل تحصیلات در دوره‌های اولیه آسیب‌های فردی و اجتماعی متعددی به دنبال دارد. نوجوانانی که در سنین پایین به ایفای نقش و رفتار بزرگسالان می‌پردازند در بزرگسالی با مشکلات فراوانی مواجه می‌شوند. به هر میزان که نوجوانان تجارب آموزشی بیشتری در دوران نوجوانی کسب نمایند، بهتر می‌توانند آماده رویارویی با چالش‌های زندگی در دوره بزرگسالی باشند (پیرسون و نیوکامب^۱، ۲۰۰۰: ۵۶۷).

خانواده شرایطی را فراهم می‌آورد که در دوران تحصیلی کودک نقش اساسی دارد. تجربه خانوادگی بر عملکرد تحصیلی کودک مؤثر است و از این رو در زندگی بعدی کودک اثر بسزایی دارد (رامبرگر^۲، ۱۹۹۵: ۶۰۱). یک پژوهش نشان می‌دهد که ترک تحصیل‌کنندگان بیشتر از خانواده‌هایی با درآمد پایین هستند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که امکان ترک تحصیل دانش‌آموزانی از خانواده‌های کم‌درآمد جامعه معمولاً دو برابر خانواده‌هایی است که درآمدی بیش از ۲۰ درصد پایین جامعه دارند (مک‌میلن^۳ و همکاران، ۱۹۹۷: ۳۴۲). به عبارت دیگر وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده رابطه معکوس با افت تحصیلی دارد (آستین، اکلند، ولفورد، ۱۹۶۴ و واگنر، شان ۱۹۶۷ به نقل از شاه آبادی، ۱۳۸۱: ۷۱). عواملی چون پایین بودن درآمد، مسکن نامناسب، عدم سرپرستی و حضور والدین در خانواده و تعداد زیاد فرزندان بر ترک تحصیل تأثیر می‌گذارد. مشکلات والدین برای تأمین نیازهای گوناگون خانواده به ویژه از نظر اقتصادی و پیامدهای ناشی از عدم موفقیت در این رابطه معمولاً آگاهی و تأثیرگذاری آنها را در خصوص وضعیت تحصیلی فرزندان کاهش می‌دهد و در حقیقت رابطه مطلوب میان پدر و مادر با فرزندان را که لازمه یک زندگی سالم است، مختل می‌سازد. این شکل از زندگی خانوادگی در طول زمان موجب تخریب توانایی‌های بالقوه فرزندان می‌شود.

این مقاله به بررسی وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان در یکی از مناطق حاشیه‌نشین شهرستان کرج به نام "حصار خط چهار" می‌پردازد. افت تحصیلی و ترک تحصیل در این منطقه در میان دانش‌آموزان دختر و پسر بالا است، ولی در همین محیط شاهد حضور دانش‌آموزان موفق، اگرچه کم تعداد، هستیم. مسئله‌ای که جای تحقیق دارد این است که چه شرایطی باعث می‌شود در همین محیط عده‌ای بتوانند دوره تحصیلی را با موفقیت بگذرانند.

¹ Pearson & Newcomb

² Rumberger

³ McMillan

چارچوب مفهومی و تعریف مفاهیم

حاشیه‌نشینی

پژوهشگران و متخصصان تعاریف نظری و عملیاتی بسیاری را برای حاشیه‌نشینی مطرح و برای آن معادل‌های فارسی متعددی مانند زاغه‌نشینی^۱، کپرنشینی، اسکان غیررسمی- غیرقانونی^۲، کانون‌های زیستی خودانگیخته (حبیبی، ۱۳۸۰: ۳۷ به نقل از حاتمی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۴۹) و یا آلونک‌نشینی^۳، زورآباد، حلبی‌آباد^۴، حصیرآباد را ذکر کرده‌اند. هر یک از مفاهیم فوق دارای بار معنایی و مفهومی خاصی مستتر در رویکردی است که آن واژه را به کار می‌برد. زاهد زاهدانی در کتاب خود تعریفی بر اساس مطالعه حاشیه‌نشینان ایران ارائه می‌دهد.

”حاشیه‌نشینان بیشتر افراد مهاجر روستایی و عشایر و کمتر شهری هستند که اغلب فاقد مهارت لازم شهری و غیرماهر هستند. این افراد بیشتر به علت عوامل رانش زادگاه خود و کمتر به دلیل عوامل جاذب شهری زادگاه خود را ترک کرده و به شهرها روی می‌آورند. آنها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یکسو و بر اثر عوامل پسران شهری و از سوی دیگر از محیط شهری پس‌زده می‌شوند و به تدریج در کانون‌های به‌هم‌پیوسته و یا جدا از همدیگر در قسمت‌هایی از شهر سکنی می‌گزینند به صورتی که محل سکونت و نوع مسکن آنها با محل سکونت متعارف شهری مغایر بوده و مالکیت آن غالباً غصبی است، همچنین حاشیه‌نشینان از نظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی با جمعیت شهری تمایز دارند“ (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۱۰).

رابرت پارک^۵، جامعه‌شناس مسائل شهری، حاشیه‌نشینی را جهانی برزخ‌گونه می‌داند که فرد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق درمی‌آورد. فرد خود را در شرایطی می‌یابد که روابط اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی و ملی تا حدودی دستخوش تزلزل شده و روابط و ارزش‌های دیگری هنوز به طور کامل جایگزین آن نشده است (جمشیدیها، عنبری، ۱۳۸۳: ۵۵). پتر مارکوز^۶ (۱۹۸۹) نظریه چهار بخش بودن شهر را پیشنهاد می‌کند: ۱- شهر تجملی: این بخش از شهر منطقه ثروت‌ها و محل زندگی نیروهای اقتصادی و سیاسی شهرها است. ساکنان شهر تجملی فضای زندگی خویش را با روش‌های گوناگون از جمله

^۱ slum

^۲ illegal-squatter settlements

^۳ shanty town

^۴ bidonville

^۵ E. Park, R.

^۶ Marcuse, P.

منطقه‌بندی از دیگر محله‌های شهری جدا کرده‌اند. ۲- شهر اصالت پذیر: این منطقه از شهر بیشتر به متخصصان، استادان دانشگاه‌ها، کارمندان بلند پایه و نظایر اینها تعلق دارد. ۳- شهر حومه‌ای: این بخش شهر مکان زندگی خانواده‌های سنتی، پردرآمد و محل زندگی یقه سفیدان و طبقه متوسط شهری است. ۴- شهر آلونک‌ها و اجاره‌نشین‌ها: در این منطقه از شهر کارگران کم‌درآمد، شاغلان در اقتصاد غیررسمی و شغل‌های روزمره، مهاجران روستایی، بیکاران شهری، آلونک‌نشینان و طردشدگان از جامعه شهری زندگی می‌کنند. مسئولان شهری اغلب این منطقه شهری را فراموش می‌کنند، از این رو حداقل خدمات شهری به ساکنان آن عرضه می‌شود. ساکنان شهر آلونک‌ها هنگام انتقال یا برخورد با ماموران بیش از دیگر مناطق شهری از خود مقاومت نشان می‌دهند. در منطقه آلونک‌نشین جرم و جنایت، دزدی، اعتیاد و خانواده‌های بی‌سرپرست بیش از دیگر مناطق شهری است. (شکوئی، ۱۳۸۳: ۴۸۴)

افت تحصیلی^۱

برای شکست تحصیلی در زبان فارسی بیشتر از کلمه افت تحصیلی استفاده می‌شود.

”کاربرد اصطلاح افت یا اتلاف، در آموزش و پرورش از زبان اقتصاددانان گرفته شده است که آموزش و پرورش را به صنعتی تشبیه می‌کند که بخشی از سرمایه و مواد اولیه‌ای را که باید به محصول نهایی تبدیل می‌شد، تلف نموده و نتیجه مطلوب و مورد انتظار را به بار نیاورده است. شاید این تشبیه چندان خوشایند نباشد و اصطلاح قصور در تحصیل یا واماندگی از تحصیل مطلوب‌تر باشد“ (امین فر، ۱۳۶۵: ۸).

ورود به مدرسه نقطه آغازی برای حرکت مداوم در مسیر آموزش است اما در بین راه عواملی موجب اختلال و کند شدن حرکت دانش‌آموزان در مسیر تحصیل یا ترک تحصیل آنها می‌شود. این مسئله هر سال مقدار زیادی از منابع مالی و انسانی را به هدر می‌دهد و آثار مخرب و جبران‌ناپذیری در زندگی فردی و اجتماعی فرد بر جای می‌گذارد (سلسبیلی، قاسمی، ۱۳۸۴: ۲۸). افت تحصیلی توصیف‌کننده فردی است که مدرسه را ترک می‌کند و با هم‌کلاس‌های خود فارغ‌التحصیل نمی‌شود. دوسک^۲ می‌گوید که استفاده از این تعریف‌ها برای سنجش شکست تحصیلی است و چیزی را اندازه‌گیری می‌کند که برای گروهی از دانش‌آموزان در یک دوره از زمان اتفاق می‌افتد و مشخص می‌کند که چه تعداد از کسانی که کلاس معینی را با یکدیگر شروع کرده بودند دچار افت شده‌اند. این نرخ نشان‌دهنده نسبت دانش‌آموزانی است که مدرسه را قبل از اتمام سال تحصیلی و بدون تمام کردن برنامه

¹ school dropout

² Dusek

دبیرستان ترک می‌کنند، اعم از اینکه سال بعد برگردند یا خیر. آژانس فرهنگی تگزاس^۱ افت تحصیلی را این چنین تعریف می‌کند: فردی که بدون عذر موجه غایب است و تا آخر سال به مدرسه بازمی‌گردد و یا کسی که سال تحصیلی را تمام می‌کند اما نمی‌تواند در سال تحصیلی آینده ثبت‌نام کند (سهرابی، جندقی، ۱۳۸۴: ۱۵۰). افت تحصیلی، کاهش عملکرد تحصیلی یا درسی دانش‌آموزان از سطح رضایت‌بخش به سطح نامطلوب است (بیابانگرد، ۱۳۸۰ به نقل از جندقی، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

سیر تحول تاریخی پدیده افت تحصیلی نشان می‌دهد که توجه به شکست تحصیلی و دلایل ایجادکننده آن، سه مرحله را پشت سر گذاشته است. در شروع قرن بیستم میلادی، علل شکست تحصیلی را عمدتاً ناشی از عوامل فردی چون خصوصیت‌های شخصی، ناتوانی ذهنی، اختلال‌های روحی و روانی می‌دانستند. به مرور از میانه قرن بیستم، در کشورهای پیشرفته صنعتی، شکست تحصیلی پدیده‌ای اجتماعی به شمار آمد و کمبودهای اجتماعی-فرهنگی دلایل اصلی شکست تحصیلی شناخته شدند، اعتقاد بر این بود که هدف مدرسه باید کاهش فاصله میان طبقه‌های اجتماعی مختلف به ویژه برای دانش‌آموزان طبقه محروم باشد که به علت شرایط خاص خانوادگی دچار کمبودهایی از نظر هوش اکتسابی و رشد کلامی و اجتماعی هستند. از اواخر سال‌های ۱۹۶۰ و اوایل سال‌های دهه ۱۹۷۰ علل شکست تحصیلی را بیشتر ناشی از عوامل مربوط به مدرسه می‌دانستند (بازرگان: ۱۳۷۸).

فقر اقتصادی

نظریه‌های ارائه‌شده درباره فقر نشان می‌دهد که توافقی کلی بر تعریف خاصی از فقر وجود ندارد. در تعریف سازمان برنامه و بودجه جمهوری اسلامی ایران، فقر هنگامی در یک جامعه بروز می‌یابد که فرد یا افرادی از سطح تعریف‌شده رفاه بر اساس معیارهای جامعه برخوردار نباشند. به این ترتیب ممکن است در کشور در حال توسعه، فقر به معنی محرومیت از امکاناتی تلقی شود که صرفاً برای حیات ضرورت دارد، درحالی‌که این پدیده در یک کشور پیشرفته به معنای محرومیت نسبی از شرایط و امکانات یک زندگی معمولی در آن کشور باشد. میان دو نوع فقر در اینجا می‌بایست تمایز قائل شویم.

”فقر نسبی که وضع نامناسب اقتصادی فرد را نسبت به افراد دیگر ارائه می‌کند و ممکن است خود نتیجه عوامل و متغیرهای زیادی باشد ولی بدون شک عاملی برای افت تحصیل به حساب می‌آید زیرا که این نوع فقر اختلاف‌های طبقاتی را ایجاد می‌کند که در نتیجه آن تفاوت‌هایی در رشد و تکامل و تفکر، زبان، رفتار و نگرش افراد نسبت به کار و استراحت بروز می‌کند و علائق و انگیزه‌های

^۱ The Texas Education Agency

پیشرفت را تحت تاثیر قرار می‌دهد و همه این عوامل برای پیشرفت تحصیلی افراد و یا عدم آن اهمیت حیاتی دارند. فقر مطلق عموماً در جوامعی وجود دارد که کار افراد جهت تامین امکانات اولیه برای بقاء و زیست آنان بوده و به صورت زندگی کشاورزی قدیم و یا کار غیرماهرا نه افراد در شهرها و زندگی آنان در حداقل معیشت جلوه می‌کند. این نوع فقر به همراه خود مشکلات انسانی گوناگونی از قبیل: سختی معیشت، گرسنگی و کم‌غذایی، بد‌غذایی، بیماری، خستگی و افسردگی و عدم وجود تفریح و استراحت را در بردارد که هر یک از مشکلات و موانع برای جلوگیری از ورود افراد به نظام آموزش و یا ترک آن و عدم موفقیت در آن به حساب می‌آیند. افرادی که در شرایط فقر و محرومیت اقتصادی به سر می‌برند عموماً در مکان‌هایی زندگی می‌کنند که فاقد امکانات بهداشتی بوده، از آب سالم و نور کافی محروم بوده و منزل آنها عموماً یک فضای اتاق ماندنی است که تمام فعالیت‌های زندگی خانواده و حتی آشپزی در آن انجام می‌گیرد. بدین لحاظ محلی است دودزده، پر رفت‌وآمد و بسیار شلوغ و مکانی برای انجام کارهای شخصی و تکالیف درسی دانش‌آموزان در آن موجود نیست“ (امین فر، ۱۳۶۷: ۲۸-۲۷).

فقر فرهنگی

مفهوم فرهنگ فقر نخستین بار در سال ۱۹۵۹ توسط اسکار لوئیس^۱ مطرح شد. فرهنگ فقر به باور او به مجموعه‌ای از ارزش‌ها و رفتارهای نسبتاً یکپارچه و منسجم اطلاق می‌شد که در میان فقرا مشاهده شده و از آنها نوعی خرده‌فرهنگ به وجود می‌آورد. مهم‌ترین شاخص‌های این خرده‌فرهنگ به باور لوئیس بی‌تفاوتی نسبت به موقعیت شکننده اقتصادی، نومیدی و یاس نسبت به حوزه سیاسی، قابلیت رضایت‌مندی از برخی امکانات پیش پا افتاده و فروپاشی خانواده بودند (فکوهی، ۱۳۸۷: ۱۹۹). منظور از فقر فرهنگی به نظر جیمز کلمن عبارت است از نداشتن ارتباط متقابل مستمر با خانواده و نیز منزلت اجتماعی پایین که ناشی از عدم احساس امنیت در کنش متقابل اجتماعی است؛ مانند کم‌توجهی خانواده، طلاق والدین، اعتیاد والدین، کم‌سواد والدین و ... (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۴۰). معمولاً بی‌سوادی، ناآگاهی، تعدد و تنوع خرده‌فرهنگ‌ها، توزیع و استفاده نابرابر از امکانات و خدمات آموزشی و فرهنگی در سطح محلی و ملی، گسترش روزافزون ارتباطات فراملی به پیدایی و تشدید تفاوت‌ها و تعارضات عقیدتی-ارزشی و هنجاری در بین افراد و گروه‌های اجتماعی می‌انجامد (عبداللهی، ۱۳۷۹: ۱۲۷).

حاشیه‌نشینی مربوط به گروهی از مردم است که فاقد امکانات بقا نیستند اما پایگاه قدرتشان را از دست داده‌اند و چنان بیرون از جامعه زندگی می‌کنند که نام و نشانی هم ندارند، اینها واقعا مردمی هستند که از پس‌مانده‌های جامعه روزگار می‌گذرانند.

^۱ Lewis, O.

چارچوب نظری و مطالعات پیشین

عوامل موثر بر شکست تحصیلی را می‌توان به دو دسته عوامل درونی و بیرونی تقسیم کرد. گاما^۱ و همکارانش (۱۹۸۶) عوامل شکست یا افت تحصیلی را شامل شرایط اقتصادی، روانی - اجتماعی و مسائل خانوادگی می‌دانند. ویلیس^۲ (۱۹۸۶) معتقد است عواملی نظیر ساختار خانوادگی، فقر و مسائل اقتصادی، نژاد و قومیت، زبان، محل سکونت و جنسیت ارتباط نزدیکی با شکست تحصیلی دانش‌آموزان دارند. نوجوانان در این مرحله از رشد بطور اجتناب‌ناپذیری تحت تاثیر دوستان و همسالان خود قرار می‌گیرند. مطالعات یک پژوهش نشان می‌دهد که همسالان تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر روی عملکرد تحصیلی دوستان خود دارند (هلی نان و ویلیامز^۳، ۱۹۹۰: ۱۲۸؛ پیرسون و نیوکامب، ۲۰۰۰: ۵۷۰). به عبارت دیگر وابستگی به دوستان و یا بالعکس طرد شدن از طرف همسالان می‌تواند عملکرد تحصیلی در مدرسه را تحت الشعاع قرار داده و یک عامل برای افت و ترک تحصیل باشد.

بررسی منابع متعدد نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل بیرونی موثر بر شکست تحصیلی، عامل اقتصادی - اجتماعی است. محرومیت خانواده و فقر اقتصادی آنها به ویژه در مناطق حاشیه شهری، مهاجرنشین و مناطق دورافتاده روستایی بالاترین درجه تأثیرگذاری را بر شکست تحصیلی دانش‌آموزان داشته است. همچنین عواملی چون محرومیت‌های فرهنگی ناشی از ارزش‌های سنتی به ویژه در مورد تحصیل دختران، فقر اجتماعی و عدم ارزش‌گذاری برای علم، شکاف فرهنگی و رسیدگی ضعیف والدین در شکست تحصیلی بسیار تاثیر گذارند. در ایران و به طور خاص در مناطق محروم حاشیه‌ای (روستا یا شهر) عواملی چون فقر محیطی، تفاوت‌ها و نابرابری در برخورداری از امکانات نسبت به مناطق شهری، سوءتغذیه، جمعیت بالای خانوار، کار کردن نوجوانان در سن تحصیل به سبب فقر اقتصادی و در نتیجه ناتمام گذاشتن تحصیلات حتی دوره ابتدایی از عمده موارد موثر بر شکست تحصیلی هستند (سلسبیلی، قاسمی، ۱۳۸۴: ۳۸).

چشم‌اندازی که ویلسون مطرح می‌کند در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است: هم‌جواری که سطوح بالایی از فقر، بیکاری و مشکلات دیگر را دارند، برنامه‌ریزی کارآمد، موفقیت تحصیلی و رفتارهای شایسته را در جوانان به وجود نمی‌آورند. علاوه بر این تعدادی از قوم‌نگاران می‌گویند که محله‌های فقیر جوی دارند که موفقیت تحصیلی را تضعیف می‌کند (سهرابی و جندقی، ۱۳۸۴: ۱۵۳). برخی نظریه‌ها رابطه شرایط و موقعیت محل زندگی با نتایج تحصیلی افراد را مورد بررسی قرار می‌دهند، درحالی‌که برخی نویسندگان بر

¹ Gama & others

² Willis

³ Hillinan & Williams

اهمیت نقش ساختارهای محلی یا بر قدرت نهادهای معاشرتی اشاره کرده‌اند. سه رویکرد نظری مورد توجه پژوهشگران و نظریه‌پردازان است. مهم‌ترین چشم انداز، جامعه‌پذیری جمعی است که فرض را بر این می‌گذارد که هنجارها، ارزش‌ها، آرمان‌ها و بالاخره رفتارهای جوان از طریق تعامل با بزرگ‌سالانی که در همسایگی او هستند شکل می‌گیرد. از این منظر دوستان در محل زندگی، الگوهای رفتاری مهمی برای این گروه سنی هستند و جوانانی که در محیط‌هایی زندگی می‌کنند که در آن شکست تحصیلی، بیکاری، فقر، بی‌ثباتی خانوادگی پدیده‌هایی شایع باشد، تمایل و انگیزه‌ای برای اتمام تحصیل و به دست آوردن شغلی بر پایه آموزش رسمی ندارند. ویلسون در ارتباط با تاثیر جامعه‌پذیری اجتماعی می‌گوید: همسایگانی که شان اجتماعی بالایی دارند این ادراک را زنده می‌کنند که تحصیل هدفمند است، کار کردن رفاه به دنبال دارد و وجود ثبات در خانواده نه یک استثنا بلکه یک هنجار است. وجود همسایگانی با شان اجتماعی بالا محیطی را ایجاد می‌کند که در آن موفقیت در تحصیل هنجار و نهادینه می‌شود (همان منبع).

رویکرد سرمایه اجتماعی، چشم‌انداز جامعه‌پذیری اجتماعی را کامل می‌کند. سرمایه اجتماعی بر تاثیر شبکه‌های اجتماعی، منابع موجود در این شبکه‌ها و جریان اطلاعات تاکید می‌کند. از منظر رویکرد سرمایه اجتماعی موفقیت تحصیلی به مقدار زیاد به این بستگی دارد که جوان بتواند با نهادهای محلی ارتباط و در شبکه‌های اجتماعی مشارکت داشته باشد، اما این سرمایه اجتماعی در صورتی برای جوانان موفقیت ایجاد می‌کند که این گروه بتوانند با همسایگانی مفید در رابطه باشند و به شبکه‌هایی تشکیل شده از افرادی در سطوح بالای اجتماعی و فرهنگی دسترسی داشته باشند تا منابع و اطلاعات تحصیلی سودمند برایشان فراهم شود. شبکه‌های اجتماعی جوانانی که در مناطق محروم زندگی می‌کنند، سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی ضعیفی دارند و افراد تشکیل‌دهنده این شبکه‌ها را نمی‌توان الگوی آموزشی موفق به شمار آورد. دارند. سرانجام چشم‌انداز کنترل اجتماعی مطرح می‌کند که جوانان مناطق محروم از این نظر در خطر شکست تحصیلی و مشکلات دیگر هستند که در این مناطق کنترلی بر فعالیت جوانان صورت نمی‌گیرد (سهرابی و جندقی، ۱۳۸۴: ۱۵۳).

ادبیات موضوع حکایت از آن دارد که رابطه بین نابرابری اقتصادی و اجتماعی با آموزش رسمی بیشتر دارای یک سابقه تجربی طولانی است. بدین معنی که عمده کارهای انجام‌شده و مباحث منتشرشده ناظر بر تحقیقات وسیع میدانی یا تجربی است که به ارتباط بین نابرابری با آموزش پرداخته‌اند و در کنار نابرابری اقتصادی - اجتماعی، انواع دیگری از نابرابری مانند نابرابری جنسی، قومی و نژادی نیز مورد توجه بوده است.

سلسبیلی و قاسمی در مقاله‌ای (۱۳۸۴) با عنوان *عوامل موثر بر شکست تحصیلی: نگاهی دوباره به عوامل درونی و بیرونی*، مسئله ترک تحصیل را با توجه به شرایط مختلف

اجتماعی، جمعیتی، خانوادگی، آموزشگاهی و چارچوب نظام‌های آموزشی کشورهای گوناگون از دیدگاه‌های متفاوت مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. این مقاله به بررسی روند پدیدار شدن مفهوم شکست تحصیلی، شناسایی دقیق عوامل موثر بر شکست و تاثیر دو دسته عوامل بیرونی و درونی آموزش و پرورش می‌پردازد. از مهم‌ترین نتایج این پژوهش، اهمیت شناسایی دانش‌آموزان در مرحله خطر است. همچنین توجه به متاثر بودن شکست تحصیلی از عوامل گوناگون و لزوم توجه هماهنگ و یکپارچه به مجموعه‌ای از فعالیت‌های اثرگذار برای مقابله با شکست تحصیلی، تقدم تأثیرگذاری عوامل فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی بر شکست تحصیلی، وجود محیط‌های محروم و محرومیت‌های فرهنگی و اجتماعی، بی‌سوادی والدین و بستر اقتصادی و اجتماعی نامناسب از نتایج مهم دیگر این پژوهش است.

محمدعلی زکی در پژوهشی با عنوان *بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی، رضایت اجتماعی و عزت نفس بر موفقیت تحصیلی (۱۳۸۳)*، با رویکرد جامعه‌شناختی، تاثیر عوامل اجتماعی، رضایت اجتماعی و عزت نفس بر پیشرفت تحصیلی را بررسی کرده است. این پژوهش سعی در ارائه الگوی نظری مبتنی بر متغیرهای کنترل (جنس طبقه اجتماعی، نوع مدرسه) و متغیرهای واسطه (ذهنی یا عزت نفس و عینی یا رضایت اجتماعی) دارد. نتایج نشان می‌دهد که هر کدام از متغیرهای مستقل (جنس، طبقه اجتماعی، نوع مدرسه، عزت نفس و رضایت اجتماعی) روابط معناداری با موفقیت تحصیلی دارند و بیشترین تغییرات موفقیت تحصیلی با متغیرهای جنس، نوع مدرسه و رضایت اجتماعی قابل تبیین است. گرچه عزت نفس رابطه معناداری با موفقیت تحصیلی داشته ولی با کنترل رضایت اجتماعی از میزان رابطه فوق بسیار کاسته شده است.

یکی از پژوهش‌های کلاسیک که در این زمینه در دهه ۱۹۶۰ میلادی توسط کلمن در آمریکا انجام شد. نتایج تحقیقات وی در سال ۱۹۶۶ حاوی اطلاعاتی درباره نزدیک به نیم میلیون دانش‌آموز منتشر گردید (گیدنز، ۱۹۷۳: ۴۵۴). کلمن و همکاران وی که در پی شناخت علل عدم دستیابی دانش‌آموزان به فرصت‌های آموزشی بودند، توانستند نشان دهند که به دانش‌آموزان موفق‌تر آموزشی بهتر از سایرین داده می‌شود. علاوه بر این این تحقیق مشخص ساخت که ویژگی‌های مدرسه، اثر مثبت و قابل سنجشی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نداشته است. تنها خصوصیتی که ارتباط پایداری با عملکرد تحصیلی داشت، طبقه اجتماعی دانش‌آموزان بود. یعنی دانش‌آموزان طبقه متوسط و بالاتر موفق‌تر از کودکان طبقه محروم بودند.

باید در نظر داشت که شکست یا افت تحصیلی نتایج اقتصادی و اجتماعی فراوانی با خود به همراه دارد. طبق اطلاعات منتشرشده توسط دفتر آمار آمریکا، در سال ۲۰۰۸، ۴۷ درصد افراد کم‌درآمد، دوران متوسطه را در دبیرستان به پایان نرسانده‌اند (دی ماریا^۱،

^۱ Di Maria

۲۰۱۰). این نکته قابل توجه است که "کودکان فقیر امروز، بزرگسالان فقیر فردا هستند" (لینچر^۱، ۱۹۹۷). جوانانی که قبل از موعد مدرسه را ترک می‌کنند، آینده شغلی مبهمی دارند و احتمال اینکه بروز رفتار و کنش‌های خلاف قانون و هنجارهای جامعه در میان آنان بسیار بالا است.

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی

آیا عوامل فرهنگی-اجتماعی در افت تحصیل دانش‌آموزان موثر هستند؟

پرسش‌های فرعی

- ۱- آیا شرایط محیطی و محل زندگی در افت تحصیل دانش‌آموزان موثر است؟
- ۲- آیا ثبات خانواده در میزان افت تحصیل دانش‌آموزان موثر است؟
- ۳- آیا شان اجتماعی همسایگان در افت تحصیل دانش‌آموزان موثر است؟

روش پژوهش

دو روش کیفی و کمی در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است؛ ابتدا با استفاده از روش پیمایشی داده‌هایی در ارتباط با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان و شاخص‌های فرهنگ فقر و فقر اقتصادی جمع‌آوری شد. در روش کیفی فنون مشاهده و مصاحبه مورد استفاده قرار گرفته است. مشاهده همراه با مشارکت را می‌توان استراتژی برای مطالعه میدان تعریف کرد که هم‌زمان تحلیل اسناد و مدارک، مصاحبه با پاسخگویان و افراد مطلع، مشارکت و مشاهده مستقیم و درون‌نگری را با یکدیگر تلفیق می‌کند. از این روش معمولاً برای مطالعه خرده‌فرهنگ‌ها استفاده می‌شود (فلیک، ۱۳۸۸: ۲۴۴). مشاهده مشارکتی به این دلیل انتخاب شد که ماهیت مطالعه پژوهشی بوده و هدف شناخت تجربه‌های افراد و معناهای ذهنی آنها است. همچنین دلیل دیگر موقعیت میدان پژوهش بود. حضور افراد غریبه در محله حصار خط چهار برای ساکنان دو معنا فرهنگی دارد. شخص غریبه‌ای که وارد این منطقه می‌شود یا خریدار مواد مخدر و یا مامور قانون است. لذا محقق برای اینکه بتواند ارتباط مناسبی با خانواده‌ها برقرار کند می‌بایست حضور خود را توجیه نماید تا از به وجود آمدن سوءتفاهم جلوگیری شود و خانواده‌ها به راحتی به سوال‌ها پاسخ گویند. در نتیجه در دست گرفتن پرسش‌نامه به روش پیمایش به نوعی میان محقق و خانواده فاصله می‌انداخت. برای این حضور و آشنایی اولیه در حدود ۳ ماه زمان مورد نیاز بود تا اینکه محقق بتواند به نتیجه قابل اعتمادی دست یابد. حضور یک همراه که آشنا به زبان ترکی با توجه به زبان غالب ساکنان محله نیز از دیگر الزامات روش‌شناختی بود.

¹ Linchter

سوال‌های پرسش‌نامه در زمینه ویژگی‌های شخصی، اجتماعی و محله‌ای و متغیرهای مربوط به فقر اقتصادی مانند میزان درآمد و منزلت شغلی سرپرست خانوار، متغیرهای مربوط به فرهنگ فقر نظیر میزان تحصیلات والدین، زیربنای واحد مسکونی، چگونگی گذران اوقات فراغت نوجوانان، نوع مالکیت مسکن، مدت اقامت در منطقه و میزان تعلق قومی است. از طرف دیگر از خانواده‌هایی که دارای فرزند یا فرزندان دانش‌آموز هستند، در مورد وضعیت تحصیل آنها سوال شده است.

جامعه آماری این پژوهش کلیه ساکنین قدیمی منطقه حصار خط چهار است که در خیابان‌های انقلاب ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳، دره الموت و تپه الله اکبر ساکن هستند. مهم‌ترین علت انتخاب این محله قرار داشتن آن در کنار حاشیه شهر کرج و بدنام بودن است. همچنین این منطقه به عنوان مرکز توزیع و تهیه مواد مخدر شناخته می‌شود. در چنین مکانی با آسیب‌های اجتماعی متعدد و عمیق فاصله نزدیک‌ترین مدرسه تا خانه‌ها یک ساعت پیاده‌روی لازم دارد. باید توجه داشت این وضعیت از زمانی به وجود آمد که منطقه خاک سفید تهران به عنوان یکی از مراکز توزیع مواد مخدر پاک‌سازی جمعیتی شد و ساکنان آن به منطقه حصار خط چهار مهاجرت کردند. در طول سه سال بافت منطقه در نتیجه این جابه‌جایی جمعیتی به کلی تغییر کرد.

یافته‌های کمی تحقیق

یافته‌های کمی تحقیق به اختصار شرح داده می‌شوند.

۸۰ درصد پاسخگویان بین سن ۲۵ تا ۴۵ سال قرار دارند که نشان‌دهنده جوان بودن جمعیت منطقه است. کارگران ۶۲/۲ در صد شاغلین این منطقه را تشکیل می‌دهند که اکثراً از کارگران روزمزد هستند و شغل ثابتی ندارند. تنها ۳/۵ درصد شاغلین را کارمندان تشکیل داده‌اند.

۳۴/۴ درصد خانوارها در منازل با متراژی بین ۵۰ تا ۶۰ متر مربع و ۳۳/۳ درصد در منازل بین ۴۰ تا ۵۰ متر مربع ساکن هستند.

میزان تحصیلات والدین، میزان تحصیلات فرزندان، علل ترک تحصیل و چگونگی گذران اوقات فراغت فرزندان نیز مورد سوال قرار گرفت و نتایج نشان داد که تنها ۲/۲ درصد مادران در بین پاسخگویان دیپلم داشتند و این میزان در میان پدر خانواده ۱۱/۱ درصد بود. فقط ۲/۲ درصد فرزندان از کلاس‌های آموزشی خارج از منطقه سکونت استفاده می‌کردند و تقریباً ۶۰ درصد از فرزندان پسر اوقات فراغت خود را در کوچه سپری می‌کنند. ۵۴/۴ درصد دختران اوقات فراغت را به تماشای تلویزیون می‌گذرانند. از میان خانواده‌هایی که مورد سوال قرار گرفتند، ۵۱ درصد از فرزندانشان ترک تحصیل کرده بودند.

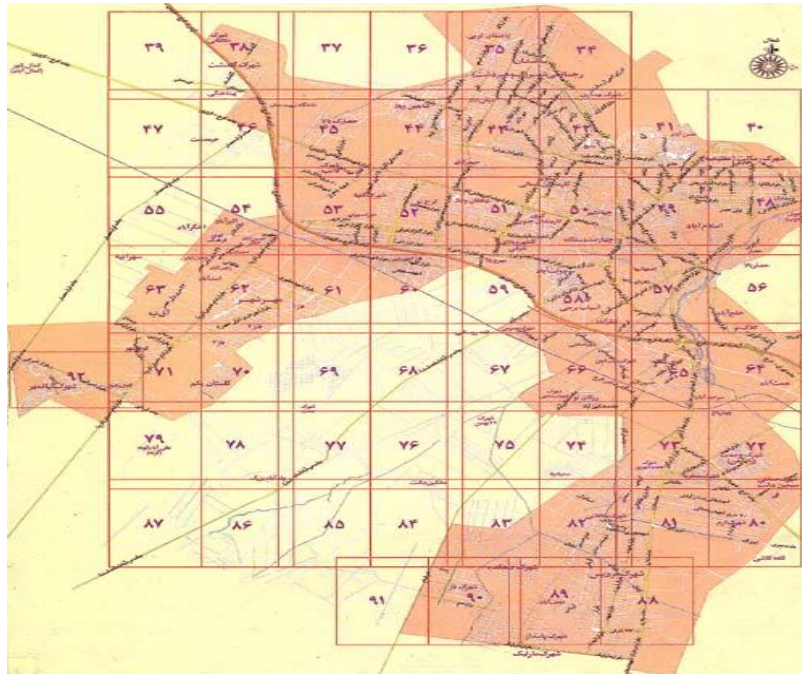
جامعه مورد مطالعه

موقعیت جغرافیایی

وسعت شهر کرج در حدود ۶۷۰۰ کیلومتر مربع است که از یکسو به کوهستان البرز و از سوی دیگر به دشت‌های داخلی فلات ایران در جنوب محدود می‌شود.

منطقه حصار در شرق کرج در نزدیک‌ترین فاصله از مرکز کرج واقع شده است. این منطقه از جنوب به پل قدیمی کرج و خیابان تهران، از شمال به تونل، از غرب به رودخانه کرج و بلوار جدید الاحداث شورا و از شرق به دامنه‌های جنوبی البرز مرکزی منتهی می‌شود. محله حصار بالا از جاده کمربندی کرج - بیلقان به طرف دامنه کوه‌های البرز گسترده شده است و شامل دره‌های عباس‌آباد و دره الموت و تپه الله اکبر و چندین تپه کوچک و بزرگ دیگر است که بیشتر مساحت آنها مسکونی شده است. منطقه حصار، در ابتدا یکی از مناطق روستایی در شرق شهرستان کرج بوده که به علت وجود رودخانه کرج قسمت پایین آن از سال‌ها پیش مسکونی شده بود. قسمت بالای این منطقه که به حصار بالا معروف است به چندین منطقه تقسیم شده است: منطقه حصار خط ۲، ۳ و ۴. جمعیت این منطقه در سه گروه عمده قابل طبقه‌بندی است: نخستین گروه اهالی روستاهای شمال کرج هستند، این گروه برای اینکه هم در کرج سکونت داشته باشند و هم به زادگاهشان نزدیک باشند و بتوانند در فصول کشاورزی به کار در زمین‌های خود نیز بپردازند؛ این منطقه را برای سکونت انتخاب کرده‌اند. دومین گروه افرادی هستند که بعد از شروع طرح سامان‌دهی منطقه زورآباد (اسلام‌آباد) کرج منازل خود را فروخته و چون در بخش دیگری از شهر نمی‌توانستند اقدام به خرید خانه بکنند، ناچار در منطقه حصار ساکن شدند؛ اغلب آنها با استفاده از مصالح باقی‌مانده از تخریب واحد مسکونی قبلی اقدام به ساخت‌وسازهای غیرمجاز در اراضی دولتی این منطقه کرده‌اند. سومین گروه؛ مهاجرین از شهرها و روستاهای دور و نزدیک به ویژه افرادی هستند که به واسطه انهدام منطقه غربت در خاک سفید تهران به این منطقه هجوم آورده و مشکلات جدیدی را ایجاد کرده‌اند. منطقه "حصار خط چهار" به لحاظ نامی و مشکلات اجتماعی با مناطق دیگر حصار متفاوت است. "حصار خط چهار" در واقع به دو بخش تقسیم شده است، بخشی که از ساکنان قدیمی‌تر تشکیل شده و بخشی که شامل ساکنان جدیدتر یا همان مهاجران است. در این بخش جدید گروهی اقدام به خرید و فروش، قاچاق و تولید انواع مواد مخدر در سطح وسیعی می‌کنند.

نقشه ۱: نقشه شهر کرج



منبع: اطلس گردشگری شهر و شهرستان کرج (برگرفته از <http://kaavak.blogfa.com/post-47.aspx>)

وضعیت خانه‌ها و فضای منطقه

اولین مسئله‌ای که در نظر بیننده بیان‌کننده و نشان‌دهنده موقعیت حاشیه‌ای منطقه حصار خط ۴ است، کالبد و نمای ساختمان‌های این محله و بافت ناهمگون و هرج‌ومرج موجود در آن است. شمالی و جنوبی بودن خانه‌ها رعایت نشده است و هر شخصی بنا به ذهنیت خود، پایگاه روستایی و وقت و هزینه ممکن اقدام به استقرار بنا در منطقه کرده است و بعضی از خانه‌ها حتی پنجره ندارند و در کل کمتر خانه‌ای دارای پنجره‌ای مشرف به کوچه است. نمای ساختمان‌ها بسیار نامنظم و بی‌هویت است ولی همین نمای برای مالک ه معنای رها شدن از پرداخت اجاره ماهیانه است. بعضی از منازل یا فاقد حیاط بوده یا حیاط آنها بسیار کوچک است. بر روی پشت‌بام اکثر خانه‌ها دیش‌های ماهواره وجود دارد. ممنوعیت ساخت‌وساز و مالکیت دولت و شهرداری بر زمین‌های منطقه و در نتیجه غیرقانونی بودن هر نو ساختمان‌سازی برای واحد مسکونی شخصی باعث شده است تا اهالی به صورت غیر مجاز اقدام به ساخت خانه می‌کنند و در نتیجه مصالح مصرف‌شده گران و با بهای بیشتری به سر ساختمان می‌رسد، همین مواد و مصالح نامرغوب است و حداقل استانداردهای ساختمان‌سازی نیز رعایت نمی‌شود.

فضای درونی تمامی خانه‌ها علی‌رغم مترائز متفاوت تقریباً به یک شکل است؛ دور تا دور اتاق اصلی پشتی چیده شده است و در یک گوشه آن تلویزیون و در گوشه دیگر آن کمد یا گنج‌های با دو یا سه در وجود دارد. به ندرت خانه‌ای دارای مبلمان است. بیشتر خانه‌ها فاقد اتاق‌های مجزا هستند همه اعضای خانواده با هم در یک اتاق (اتاق پذیرایی) می‌خوابند.

این منطقه فاقد هرگونه امکانات رفاهی و فرهنگی است؛ مدرسه‌ای در این منطقه وجود ندارد و فرزندان اهالی برای رفتن به مدرسه باید به منطقه حصار خط سه یا دو بروند که هم حدود یک ساعت زمان می‌برد و هم باید از کمربندی تهران به سمت چالوس تردد کنند، تقریباً هیچ کس از پل عابر پیاده‌ای برای این کار استفاده نمی‌کند. منطقه فاقد فضای ورزشی یا پارک است. برخی از خانواده‌ها می‌گفتند که تا به حال فرزندان‌شان را به پارک نبرده‌اند. پسران بیشتر اوقات فراغت‌شان را در کوچه‌ها می‌گذرانند و دختران یا دم در خانه‌ها با مادرهایشان هستند و یا تلویزیون می‌بینند.

کوچه‌های این منطقه مانند اکثر محله‌های حاشیه‌ای فاقد نظم بوده و از به دلیل اینکه بر روی تپه قرار دارد، شیب کوچه‌ها تند و در برخی موارد پلکانی است. بافت محله با مناطق دیگر کرج متفاوت است و این را می‌توان از نمای دور محله هم متوجه شد. اهالی محدودیت زمین و نبود ناظر به سازمان‌دهی فضای بیرونی / محله توجهی نداشته‌اند به همین دلیل تعداد زیادی کوچه با عرض بسیار کم وجود دارند؛ کوچه‌هایی که تنها یک نفر می‌تواند از آنها عبور کند. خانه‌ها بسیار کوچک هستند و تعداد خانه‌هایی که مساحت صد متر مربع به بالا داشته باشند به تعداد انگشتان دست نمی‌رسد که همین تعداد هم در ابتدای منطقه و به اصطلاح در بخش مطلوب حصار خط چهار واقع شده‌اند.

بافت اجتماعی درونی محله به شدت همگون است به صورتی که ورود هر شخص غریبه کاملاً مشخص می‌شود. غریبه‌ها اگر با ماشین باشند به این معنی است که قصد دارند به بخش بالایی منطقه برای خرید مواد بروند و اگر پیاده باشند برای اهالی این سوال پیش می‌آید که این شخص غریبه وارد منزل چه کسی می‌شود؟ با حضور در منطقه می‌توان نگاه‌های کنجکاو را دید که منتظر این هستند که مقصد شما را متوجه شوند.

فضای کوچه‌ها در روز و شب کاملاً متفاوت است؛ در طول روز زنان در کوچه‌ها و یا کنار در خانه‌های خود و همسایه‌ها جمع می‌شوند، حرف می‌زنند و یا سبزی پاک می‌کنند؛ بچه‌ها با سروصدای زیاد بازی می‌کنند و با وجود ناهمواری زیاد کوچه‌ها، مادران نگران افتادن فرزندان کوچک و نوپا نیستند. با نزدیک شدن به غروب آفتاب دیگر اثری از اهالی در فضاهای بیرونی نیست و فقط مشتریان مواد مخدر پرسه می‌زنند، حتی گوشه و کنار می‌توان کسانی که در حال مصرف مواد هستند را مشاهده کرد. حضور شب هنگام در این منطقه با می‌تواند با خطر همراه باشد.

فاضلاب خانه‌ها از وسط کوچه‌ها عبور می‌کند و همیشه یک جوی مملو از کف در کوچه جاری است. تعداد زیادی از ساکنان همیشه در حال تعمیر خانه‌ها یا اضافه کردن یک اتاق بر روی پشت‌بام برای اجاره دادن آن و کسب درآمد بیشتر هستند.

تصویر ۱: نمایی از منطقه حصار خط چهار



منبع: نگارنده، آذر ماه ۱۳۸۸

مهم‌ترین ویژگی محله تقسیم آن به دو منطقه بالا و پایین است که از سه راه موتور سوار این تقسیم‌بندی آغاز می‌شود. بخش پایینی محل زندگی خانواده‌هایی است که ساکنین اولیه این منطقه هستند، هر چه به سمت قسمت‌های بالایی منطقه پیش می‌رویم از کیفیت ساخت‌وسازها کاسته، خانه‌ها کوچک‌تر شده و گاه به جای شیشه پنجره، از نایلون استفاده می‌شود؛ کوچه‌های بخش بالایی آسفالت نشده‌اند و مرغ و خروس در آنها پرسه می‌زند. در آخرین بخش محله خانه‌هایی است که ساکنان آن لباس‌های محلی می‌پوشند. گاهی در این قسمت ماشین‌های مدل بالا حرکت می‌کنند که متعلق به مشتریان مواد مخدر و مشروبات الکلی هستند. بعضی از اهالی که در بخش پایین زندگی می‌کنند تا به حال به بخش بالایی نرفته‌اند و رفتن به آنجا را خطرناک می‌دانند.

یافته‌های کیفی پژوهش

عوامل محیطی موثر بر افت تحصیل

یکی از عوامل موثر بر موفقیت یا افت تحصیل را می‌توان شرایط مکان درس خواندن دانست که شامل شرایط خانه و منطقه زندگی است. در این بخش به تفکیک، به این دو عامل می‌پردازیم.

خانه‌ها و محله‌های حاشیه‌نشین بافتی کاملاً متفاوت نسبت به بقیه مناطق شهری دارند. چگونگی وضعیت محله و خانه‌ها در بخش پیشین مورد بررسی قرار گرفت.

”فکر کن بخوام درس بخونم ... مگه اینجا می‌شه؟ یکی داره تلویزیون می‌بینه، همسایه اومده خونه داره با مامانم حرف می‌زنه... آسایش نداریم که ... تازه یه سره هم جلوی چشمشون که باشی می‌فرستنت دنبال کار“ (عرفان، ۱۷ ساله، ترک تحصیل از ۳ سال پیش).

”یه اتاقک ساختیم روی پشت بوم... سخته، باید با نردبون ازش بریم بالا ولی چاره ای نیست، دست کم بچه‌ها یه جایی دارن که درس بخونن... توی یدونه اتاق که نمی‌شه، حواسشون پرت می‌شه، کلی قرض و قوله کردیم برای ساختن همین اتاق ولی خب مهمه برام ... خدا کنه یه روز مثل شماها تحصیل کرده بشن“ (زهرا، تحصیل تا سوم راهنمایی، مادر دو فرزند دانشجوی).

گفته‌های پاسخ‌گویان مشخص می‌سازد که مکان درس خواندن در خانه عاملی تعیین‌کننده است. ممکن است همه دانش‌آموزانی که در درس موفق هستند، اتاق جدا برای مطالعه نداشته باشند ولی سکوت و آرامش در خانه برای یادگیری اهمیت دارد و در صورتی مهیا می‌شود که اعضای خانواده با دانش‌آموز همکاری کنند تا بتواند چند ساعتی را به مطالعه بپردازد. فراهم کردن مکانی برای مطالعه دانش‌آموزان با توجه به فضای درونی خانه‌ها مشکل و تنها در صورتی امکان‌پذیر است که خانواده، تحصیل فرزند خود را در اولویت خود قرار دهد، مشکل اقتصادی و معیشتی کمتری داشته و در مجموعه از ثبات بیشتری برخوردار باشد. تعداد خانواده‌هایی با این ویژگی‌ها بسیار اندک است و اغلب از میان ساکنان قدیمی حصار هستند که به علت مشکلات مالی و قیمت بالای خانه در محله‌های مطلوب کرج قادر به ترک منطقه نیستند و به اجبار در اینجا زندگی می‌کنند. این فرهنگ این خانواده‌ها با فرهنگ حاشیه‌نشینی انطباق ندارد و علی‌رغم مشکلات مالی و شرایط بد زندگی تمایل بالایی برای ادامه تحصیل فرزندانشان دارند. در اینجا می‌توان علاوه بر مناسب بودن شرایط خانه، به مسئله مهم‌تری اشاره کرد و آن میزان اهمیت و ارزش‌گذاری برای تحصیل در خانواده است.

”با این وضعی که هست توی خونه باشن بهتره... مگه آدم جرات می‌کنه بچه رو بفرسته مدرسه؟ ... پر از معتاده اینجا ... ساعت ۵ بعدازظهر بیاین یه گوشه نشستن مواد می‌کشن و تزریق می‌کنن... درس نخونه بهتر از اینه که معتاد بشه“ (عفت، تحصیل تا پنجم دبستان، مادر دو فرزند پسر ترک تحصیل کرده).

”تا بره و بیاد کلی طول می‌کشه... منم که هر روز نمی‌تونم دنبال سرش راه بیوفتم، خیلی هم به درس علاقه نداره... زور که نیست... تا مدرسه یه ساعت راهه...“ (ثریا، تحصیل تا سوم دبستان، مادر دو فرزند ترک تحصیل کرده)

شرایط منطقه برای رفت‌وآمد دانش‌آموزان، یکی دیگری از عوامل بیرونی دارای اهمیت است. به خصوص در منطقه‌ای که به علت خریدوفروش مواد مخدر و رفت‌وآمد معتادان، تبدیل به منطقه‌ای ناامن و بدنام شده است. شیب تند منطقه رفت‌وآمد را دانش‌آموزان دبستانی سخت و در زمستان خطرناک کرده است.

تصویر ۳: نمایی از کوچه‌های پلکانی در سطح منطقه



منبع: نگارنده، آذر ماه ۱۳۸۸

رد شدن از خیابان اصلی پر تردد هم خطر دیگری ست. علی‌رغم وجود یک پل عابر پیاده، هیچ کس از آن استفاده نمی‌کند، چون دانش‌آموزان در سطح محله از کوچه‌های پلکانی پرشیب بالا و پایین می‌روند و از استفاده از پل عابر پیاده صرف نظر می‌کنند. این در حالی است که ساکنان بخش بالایی (سه راه موتورسوار به بالا) که اغلب از فروشندگان مواد هستند، فرزندانشان را در مدارس عموماً غیرانتفاعی داخل شهر کرج ثبت‌نام کرده‌اند و

فرزندانشان از سرویس مدرسه استفاده می‌کنند. این فاصله اجتماعی و اقتصادی بین ساکنان مسئله‌ای است که باعث بروز مشکلات، از جمله تنش‌های متعدد در سطح منطقه شده است. ساکنان هر دو بخش به چشم دشمن به یکدیگر نگاه می‌کنند. بخش پایین و قدیمی عقیده دارند که حضور این ساکنان جدید آسایش منطقه را برهم زده است.

خانواده و تحصیل فرزندان

وضعیت ثبات خانواده یکی از عوامل مهم در ادامه تحصیل دانش‌آموزان است. این شاخص در مناطق حاشیه‌ای و غیرحاشیه‌ای، یکی از شاخص‌های مهم در عملکرد تحصیلی به شمار می‌رود. در خانواده‌هایی که عضوی معتاد است و یا والدین از هم جدا شده‌اند، اختلالات در روند تحصیلی فرزندان بیشتر است.

”به وقتی فکر درس بچه‌ها بودم ... الان فکر و ذکرم اینه که باباش ترک کنه... صد بار خوابوندمش ولی بی‌فایده است، باز میاد خونه روز از نو روزی از نو... اینجا هم که از در بری بیرون و اراده کنی مواد دم دسته... پسرها علاقه‌ای به درس ندارن، حالا درس نخونن عیبی نداره از معتاد شدن که بهتره ...“ (تحصیل تا پنجم ابتدایی، مادر دو پسر ترک تحصیل کرده).

”دوست دارم بره درس بخونه ولی الان بیشتر لازمه بره کار کنه پول در بیاره ... باباش که معتاده منم میرم خونه‌های مردم کار می‌کنم... یه وقت‌هایی که کم‌درد می‌گیرم دیگه نمی‌تونم ... باید بره کار کنه، چاره ای نیست“ (لیلا، بی‌سواد، مادر ۴ فرزند، دارای یک فرزند پسر ۱۴ ساله ترک تحصیل کرده)

درگیری خانواده با مسئله اعتیاد یکی از والدین به میزانی شدید است که جنبه‌های دیگر زندگی را کاملاً تحت تاثیر قرار می‌دهد. اعتیاد پدر خانواده باعث می‌شود، مادر نیز ناگزیر تربیت و رسیدگی به نیازهای آموزشی فرزندان را از اولویت خارج کند و تنها به ترک دادن پدر و تامین نیازهای اعضای خانواده فکر کند. به دلیل آنکه تامین نیازهای اولیه زندگی در چینی بافت اجتماعی و اقتصادی دشوار است، کمک فرزندان به ویژه فرزند پسر را به شدت مورد نیاز است، چون به درآمد هرچند ناچیز آنها هم نیاز است. از سویی با توجه به فضای درونی خانه‌ها، اگر یکی از والدین معتاد باشد، فرزندان کاملاً در جریان مسئله اعتیاد قرار می‌گیرند و در سن پایین درگیر مسائل مواد مخدر و آسیب‌های ناشی از آن می‌شوند.

بلوغ زودرس ناشی از شرایط محیطی و خانوادگی تجربه‌هایی را برای فرزندان به وجود می‌آورد که در تضاد با شرایط ضروری برای موفقیت تحصیلی است و همین یکی دیگر از

عواملی است که ترک تحصیل آنها را سبب می‌شود. برخی از دلایل افت تحصیل از جانب خانواده و برخی از جانب خود فرزند است. عدم ثبات در خانواده و مشکلات خانوادگی و اقتصادی از عواملی هستند که از طرف خانواده به دانش‌آموز تحمیل می‌شوند. بخش دیگری از عوامل در ترک یا افت تحصیل از نگرش اعضای خانواده و خود دانش‌آموز نسبت به علم و آموزش رسمی ناشی می‌شود. ارزشمند بودن داشتن مدرک تحصیلی یک باور فرهنگی مورد قابل قبول برای تمام اعضای جامعه مورد مطالعه نیست.

”لیسانسه‌ها هم بیکارند“ (عرفان، ۱۷ ساله، تحصیل تا اول راهنمایی، پخش‌کننده بروشورهای تبلیغاتی).

”هر کی سر یه کار درست و حسابیه پارتی داشته“ (صابر، ۱۹ ساله، تحصیل تا دوم راهنمایی، جمع‌کننده زباله‌های خشک).

”درس مال بچه سوسوله است“ (علی، ۲۳ ساله، تحصیل تا سوم راهنمایی).

”بالاخره باید کارگری کرد، حالا با دیپلم یا بدون دیپلم“ (رضا، ۲۵ ساله، تحصیل تا سوم راهنمایی، کارگر میدان میوه).

”اینها رو ببینین، درس هم نخوندن ماشین آنچنانی دارن، مگه آدم مریضه وقتشو تلف کنه؟“ (مصطفی، ۱۹ ساله).

نقل قول‌های مطرح‌شده از جانب کسانی است که یا خودشان درس و مدرسه را رها کرده‌اند و یا فرزندان‌شان افت تحصیلی داشته‌اند. اکثر فرزندان پسر برای کسب درآمد اقدام به ترک تحصیل می‌کنند که با توجه به سن و میزان تحصیلات شغل مناسبی پیدا نمی‌کنند: پخش بروشورهای تبلیغاتی، کارگر ساختمان، کار در میدان میوه، جمع‌آوری انواع زباله به دستور کارفرما و نهایتاً بیکاری آینده اکثر این افراد است که باعث مسائل دیگری برای خانواده‌ها می‌شود. در منطقه‌ای که ساکنان بخش بالایی آن اقدام به خرید و فروش و قاچاق مواد مخدر می‌کنند و از این راه درآمد بالایی هم دارند، به نظر پسرها درس خواندن به نوعی وقت تلف کردن است.

این عقیده که درس خواندن در آینده لزوماً درآمد و موفقیت کاری را سبب نمی‌شود و از طرف دیگر بی‌علاقگی به آموزش رسمی و ضعیف بودن پایه‌های درسی، باعث می‌شود که فرزندان پسر ترک تحصیل کنند. کاربردی نبودن مواد درسی برای دانش‌آموزانی که قصد ادامه تحصیل تا سطوح عالی‌تر ندارند مورد انتقاد است. حجم بالای مطالب کتاب‌های درسی و

تنوع آنها برای دانش‌آموزانی که والدینشان سواد چندانی برای کمک به آنها ندارند، خسته‌کننده و بی‌فایده است.

خرده‌فرهنگ نوجوانان در این منطقه عامل تعیین‌کننده دیگری است که در آن برای درس خواندن شان و مقامی قائل نیستند و این عقیده را در میان خودشان تقویت می‌کنند؛ بنابراین برای افرادی که در این فضا زندگی می‌کنند و تمایل به ادامه تحصیل دارند، مشکلاتی از طرف همسالان به وجود می‌آید؛ که آنها را از خود نمی‌دانند و طرد می‌کنند. این خرده‌فرهنگ "ضد تحصیل" در مدرسه وجود دارد.

دانش‌آموزان در سال‌های اولیه دبستان می‌توانند به تنهایی تکالیف درسی خود را انجام دهند و لزوماً نیازی به کمک گرفتن از اهالی خانواده ندارند. ولی اکثراً با وارد شدن به مقطع راهنمایی، در درس‌هایی مانند زبان انگلیسی و ریاضی دچار مشکل می‌شوند (محقق با مطالعه ۳۰ کارنامه از کسانی که ترک تحصیل کرده بودند، به داشتن مشکل در این دو درس پی برد). در خانه هم کسی نیست که بتوانند از او کمک بگیرند. از طرفی عموماً به دلیل رفتارهای نامطلوب و گاهی به شدت ناسازگار، با کادر مدرسه اختلاف پیدا می‌کنند و در نتیجه از سوی معلمان طرد می‌شوند. این وضعیت در نهایت سبب دل‌زدگی از درس و افت و یا ترک تحصیل می‌شود.

نابرابری امکانات آموزشی

دانش‌آموزان برای موفقیت در نظام آموزشی کشور ایران اغلب نیازمند برنامه کمک آموزشی خارج از فضای مدرسه هستند. عدم امکان دسترسی تمامی دانش‌آموزان به چنین برنامه‌هایی باعث ایجاد اختلاف در توان و دانش علمی میان دانش‌آموزان می‌شود که در نهایت در رویارویی آنها در رقابتی نابرابر به نام کنکور به شکلی آسیب‌شناسانه نمود می‌یابد. کلاس‌های آموزشی خارج از مدرسه، معلم خصوصی، کلاس زبان انگلیسی، کتاب‌های کمک آموزشی و به تازگی سی‌دی‌های کمک درسی همگی امکاناتی هستند که برای گروه‌های کم‌درآمد جامعه غیرقابل دسترس هستند و این تفاوت سبب می‌شود دانش‌آموزانی محروم از این امکانات به تدریج عزت نفس خود را از دست بدهند و به درس و مدرسه بی‌علاقه شوند؛ چرا که توانایی رقابت با دیگر هم‌کلاسی‌های خود را ندارند. لزوم دسترسی به این امکانات در دو دوره راهنمایی و دبیرستان بیشتر می‌شود و این درست هم‌زمان با افت تحصیلی بیشتر و در نهایت ترک تحصیلی تعداد زیادی از دانش‌آموزان در این منطقه است. آموزش حتی در مدارس دولتی به ظاهر رایگان است، در نهایت خانواده‌ها برای تهیه کتاب‌های کمک آموزشی و گاهی معلم خصوصی باید هزینه‌هایی را پرداخت کنند که خانواده‌های بخش‌های محروم و حاشیه‌ای توانایی اقتصادی تأمین چنین هزینه‌هایی را ندارند. باید در نظر داشت که برخی از این خانواده‌ها حتی در تأمین نیازهای غذایی فرزندان خود دچار مشکل هستند.

در میان پاسخگویان حتی یک مورد هم یافت نشد که از امکانات آموزشی خارج از مدرسه مانند کلاس زبان انگلیسی یا کلاس‌های تقویتی استفاده کند.

”مدرسه‌های خوب مال از ما بهترونه... اینجا که مدرسه‌اش هم دوره، هم شلوغ پولوغه ... پراز بچه‌های لات و لوت... درس نخونه کمتر ضرر می‌کنیم“ (مادر یک از نوجوانان در سن تحصیل).

خانواده‌هایی که فرزندانشان با افت تحصیلی مواجه می‌شوند اکثراً پرجمعیت، غیرفارسی‌زبان و با شرایط نامساعد اقتصادی هستند. عدم تسلط به زبان فارسی در دوران دبستان باعث بروز مشکلاتی برای دانش‌آموزان در یادگیری و درک مطالب درسی می‌شود. برخی از خانواده‌هایی که تازه از روستا به این منطقه مهاجرت کرده‌اند، با زبان فارسی آشنایی ندارند و حتی دیکته گفتن به فرزندان هم برایشان ممکن نیست. این خانواده‌ها کمتر فرصت دارند تا با معلمان فرزند خود در ارتباط باشند.

تحصیل دختران

باورهای سنتی خانواده‌ها در مورد تحصیل دختران عموماً منفی است. تلاش رسانه‌های رسمی نیز در تغییر این رویکرد لزوماً موفق نبوده است. عدم علاقه‌مندی والدین در این امر سبب می‌شود تا فرزندان دختر نیز انگیزه چندانی برای ادامه تحصیل نداشته باشند. نبود چشم‌انداز برای زندگی بر مبنای اتمام دوره آموزشی در کنار بلوغ زودرس، تمایل والدین و فرزندان دختر به ازدواج در سنین پایین را به دنبال داشته است.

”درس بخونه که چی بشه، آخرش هم که باید کهنه بچه بشوره“ (زن، ۳۴ ساله، متاهل، تحصیل تا پنجم ابتدایی).

”میرن مدرسه چشم و گوششون باز میشه دیگه حرف آدمو گوش نمیدن، دوست پسر می‌گیرن، دوستاش تا بهش گفتن خیلی خوشگلی به مادرش گفتم دیگه لازم نیست بره مدرسه ... از راه به در میشه دیگه نمی‌شه کنترلش کرد... یه پسر خوب پیدا بشه شوهرش میدم ... نگهداری دختر سخته“ (مرد، ۳۵ ساله، متاهل، تحصیل تا پنجم ابتدایی).

”دوست داشتم درس بخونم ولی خب درسم ضعیف بود... دیگه ولش کردم ... مامانم میره کارگری، می‌مونم خونه بچه‌ها رو نگه می‌دارم“ (لیلا، ۱۷ ساله، تحصیل تا اول راهنمایی).

توجه و برنامه‌ریزی والدین برای موقعیت تحصیلی فرزندان به ویژه گروه دختران به دلیل محرومیت فرهنگی در مناطق حاشیه‌نشین بسیار اندک است به صورتی که گاهی خود والدین دختران را مجبور به ترک تحصیل کرده‌اند. ولی به طور قطع عامل دیگری هم وجود دارد که باعث می‌شود در همین محیط برای تعدادی از خانواده‌ها ادامه تحصیل حتی برای دختران مهم باشد. هر دانش‌آموزی با هر طبقه اجتماعی فرهنگ خاصی دارد. طبقه محروم معمولاً بر این باورند که تحصیلات عالی برای آنان نیست و چون اکثر اطرافیان نیز مانند آنها هستند، ترک تحصیل را یک عمل نادرست تلقی نمی‌کنند به بیان دیگر خود را چندان لایق ادامه تحصیل نمی‌دانند. خانواده‌هایی که این تفکر را ندارند، اغلب کسانی هستند که در اثر مشکلات مالی شدید مجبور به زندگی در این منطقه شده و با فرهنگ حاشیه‌نشینی به صورت کامل منطبق نشده‌اند.

”هر کاری از من بر بیاد انجام می‌دیم تا بچه‌ها درس بخونن ... نمی‌خوام مثل ما بشن ...“ (سکینه، مادر سه فرزند دانش‌آموز)

چشم‌انداز زندگی آینده

داشتن آینده‌ای روشن و تضمین‌شده برای اکثر نوجوانان و جوانان در این منطبق تعریف‌نشده است به بیان دیگر این گروه زندگی آینده خود را بسیار مبهم می‌بینند. تصور دست‌یابی به یک زندگی موفق بر پایه داشتن تحصیلات دانشگاهی برای اکثر آنها غیرممکن یا خارج از لیاقت و توانایی‌هایشان است.

”فکرشو بکن که درس بخونم آخرش دانشگاه آزاد قبول بشم... هزینه‌شو که نداریم پس از الان بی خیال بشم بهتره“ (زهرا، ۱۶ ساله، دانش‌آموز).

”دکتر؟ مهندس؟ این سوسول باز با مال ما نیست، ما از این شانس نداریم“ (پیام، ۱۷ ساله، کارگر ساختمان).

”بیشتر دوستانم که همسایه هم هستیم درساشونو ول کردن... درس بخونیم که چی بشه ... الان بیشتر خوش می‌گذره“ (مریم، ۱۹ ساله، تحصیل تا سوم راهنمایی).

”دلم می‌خواد درس می‌خوندم ولی الان که همیشه، بابام مریضه، یکی باید بره سر کار یا نه؟ بعدش هم توی مدرسه معلم‌ها بد اخلاقن حوصلشونو ندارم، فقط به بچه زنگ‌ها توجه می‌کنن، ماها ول معطلیم“ (رضا، ۱۶ ساله، تحصیل تا دوم راهنمایی، پخش‌کننده بروشورهای تبلیغاتی).

آرزوهایی که این نوجوانان و جوانان برای خود دارند، ربطی به تحصیل ندارد. در نظر گرفتن شانس و اقبال و خود کم‌بینی باعث می‌شود به راحتی خود را جدا از فضای تحصیلی بدانند و وقتی مدرسه را ترک می‌کنند ناراحت نباشند و یا وانمود کنند که دیگر برایشان مهم نیست.

نتیجه‌گیری

تلاش برای کاهش یا حذف پدیده شکست تحصیلی، گذشته از کاهش آسیب‌های اقتصادی، باعث کاهش مشکلات روانی و اجتماعی در سطح جامعه و در نتیجه موجب تقویت سرمایه‌های انسانی کشور می‌شود. یکی از شاخص‌های توسعه انسانی دسترسی به آموزش است، توانایی خواندن و نوشتن در سطح ابتدایی لزوماً به معنای رشد این شاخص نیست. درست است که در منطقه مورد مطالعه اکثر افراد باسوادند، ولی سواد آنها فقط در حد خواندن و نوشتن است.

شکست و افت تحصیلی بر اساس نظریه گاما در این منطقه هم بر اثر عوامل درونی و هم عوامل بیرونی روی می‌دهد. شرایط محیطی در داخل خانه‌ها و بافت اجتماعی و اقتصادی منطقه یعنی آسیب‌های خاص مناطق حاشیه‌ای و بدنامی اجتماعی؛ باعث شده است تا تحصیل از اولویت بسیاری از خانواده‌ها حذف شود. به خصوص خانواده‌هایی که ساکنان جدید این منطقه بوده و به لحاظ اقتصادی و فرهنگی مشکلات بیشتری دارند. زبان و گویش‌های غیرفارسی در اکثر خانواده‌ها کند شدن فرایند یادگیری فرزندان را سبب می‌شود. غیرکاربردی بودن بسیاری از درس‌ها یکی دیگر از زمینه‌های ایجادکننده گسست دانش‌آموزان از مدرسه و تحصیل به شمار می‌آید.

خرده‌فرهنگ حاکم بر منطقه (فرهنگ فقر)، فاصله زیاد محل سکونت با مدرسه از دیگر عوامل افت تحصیل فرزندان است. همسایگی با ساکنان ثروتمند منطقه تاثیر زیادی در روحیه فرزندان جوان ساکنان قدیمی منطقه دارد. گروه نخست از طریق مشاغل غیرقانونی به ویژه فروش و توزیع مواد مخدر درآمد بسیار بالایی دارند، این مسئله با توجه به تحصیل‌نکرده بودن این افراد باعث شده که از ارزش فرهنگی علم و تحصیل بیش از پیش کاسته شود.

خانواده‌هایی که فرزندان خود را به ادامه تحصیل تشویق می‌کنند، در واقع برخلاف فرهنگ غالب عمل می‌کنند زیرا برعکس ساکنان دیگر مناطق شهری که موفقیت تحصیلی را یک هنجار می‌دانند، در اینجا خانواده‌ها باید انگیزه‌های مضاعفی برای فرزندان خود ایجاد کنند. عدم وجود نهادهای مکملی مثل کتابخانه یا مکان‌های فرهنگی نیاز به توجه و رسیدگی والدین را افزایش می‌دهد. موفقیت تعدادی از فرزندان در ادامه تحصیل حتی تا مقطع دانشگاه نشان از اهمیت خانواده و نگرش آن است که حتی می‌تواند عوامل محیطی را تحت تاثیر قرار دهد. خانواده‌های باثبات می‌توانند در چنین مناطقی هم در پی هنجارسازی

تحصیل برای فرزندانشان باشند. خانواده باثبات و بانگیزه به عنوان منبعی برای کنترل اجتماعی و سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید.

منابع

- امین فر، مرتضی (۱۳۶۷)، «علل و عوامل افت تحصیلی و چگونگی کاهش آن»، **فصل‌نامه تعلیم و تربیت**، سال چهارم، شماره‌های ۱۳ و ۱۴، صص: ۳۵-۹.
- _____ (۱۳۶۵)، «افت تحصیلی یا ائتلاف در آموزش و پرورش»، **فصل‌نامه تعلیم و تربیت**، شماره ۷ و ۸، صص: ۲۵-۷.
- بارزگان، زهرا (۱۳۷۸)، «نگاهی دیگر به مساله افت تحصیلی و شیوه‌های موثر مقابله با آن در برخی از کشورهای صنعتی»، **فصل‌نامه تعلیم و تربیت**، شماره ۵۹، صص: ۴۱-۲۹.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۰)، «موثر در افت تحصیلی دانش‌آموزان»، **نشریه تربیت**، شماره ۱۰۸، صص: ۱۰-۶.
- زارع شاه آبادی، اکبر (۱۳۸۱)، «تاثیر فقر اقتصادی و عوامل آموزشی بر افت تحصیلی دانشجویان یزد»، **فصل‌نامه جمعیت**، شماره ۴۱، صص: ۸۸-۶۹.
- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۶۹)، **حاشیه‌نشینی**، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- حاتمی نژاد، حسین (۱۳۸۲)، **مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی**، جلد دوم، صص: ۷-۳.
- جمشیدیها، غلامرضا و عنبری، موسی (۱۳۸۳)، «تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغانی»، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۳، صص: ۶۸-۴۳.
- سلسبیلی، نادر و قاسمی، نرجس (۱۳۸۴)، «عوامل موثر بر شکست تحصیلی: نگاهی دوباره به عوامل درونی و بیرونی»، **فصل‌نامه تعلیم و تربیت**، شماره ۸۳، صص: ۶۰-۲۵.
- سهرابی، ابوالفضل و جندقی، غلامرضا (۱۳۸۴)، «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با افت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه با تعیین سهم عوامل»، **فصل‌نامه فرهنگ مدیریت**، سال سوم، شماره ۸، صص: ۱۸۰-۱۴۷.
- شکوئی، حسین (۱۳۸۳)، **دیدگاه نو در جغرافیای شهری**، تهران: سمت.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۷)، **انسان‌شناسی شهری**، تهران: نشر نی.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸)، **درآمدی بر تحقیق کیفی**، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قریشی، فخرالسادات و صداقت، کامران (۱۳۸۸)، «بررسی نقش عوامل فرهنگی-اجتماعی مرتبط بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی شهروندان تبریز»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیستم، شماره پیاپی ۳۶، صص: ۱۰۲-۷۵.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- نفیسی، عبدالحسین (۱۳۷۶)، **آموزش و پرورش ایران ۱۴۰۰**، تهران: انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش.

Lichter, D.T. (1997), "Poverty and Inequality among Children", in *Annual Review of Sociology*, Vol. 23, pp: 121-145.

DiMaria, Frank (2010), "Education-Not a Way Out of Poverty, the Hispanic Outlook in Higher Education", in *Paramus*, Vol. 21.

- Gama, Elizabeth M. (1986), *Teachers Perceptions and Opinions about Education Problems in Their School Systems*, Brazil: Meeting of the American Educational Research Association, Available from: <http://www.eric.ed.gov>.
- Hllinan, M. T and Williams R. A. (1990), "Students Characteristics and the Peer Influence Process", in *Sociology of Education*, Vol. 63, pp: 122- 132.
- Kaufman, Phillip (1999), *Dropout Rates in the United States*, U.S: Government Printing Office.
- Pearson. S. B. and Newcomb M. D. (2000), "Predictors of Early School Parents", in *Journal of Educational*, Vol. 92, No. 3.
- Rumberger, R. W. (1995), Dropping Out of Middle School: A Multilevel Analysis of Students and Schools, in *American Educational Research Journal*, Vol. 32, pp: 583- 625.
- Willis, Harriet Doss (1986), *Student at Risk: A Review of Conditions, Circumstances, Indicators, and Educational Implications*, Elmhurst, North Central Regional Educational Laboratory, Available from: <http://www.eric.ed.gov>.

